

شهادت امام محمدتقی (ع) تسلیت باد

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر ایران

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر تحریریه: معصومه یزدانی

دبیر اجرایی تحریریه: فریبا دیندار

همکاران این شماره:

مریم فیاضی، زهرا شاهی، سولماز خواجهوند، حانیه شجاعی

نسترن فتحی، حمید حاجی میرزایی، چیا فواد

مریم شجاعی پور، راحله شمس آبادی

مدیر هنری و طراح جلد: سهیل نوری

صفحه آرایی: مجید مرادی

عکاس: سینا اسلامی، اسما احمدی

ویراستار: نیلوفر نیک بنیاد

تصویرگر: سمانه صلواتی

چاپ: شرکت چاپ جام جم

با تشکر از وحیده بهزادی و اکبر اسماعیلی



دوربین کوفی

ویژه نامه روزنامه شهروز
برای نوجوانان

شماره ۲۷ - چهارشنبه ۲ مهر ۱۳۹۳

هدیه

نسترن فتحی

آواز فرشته

خداوند فرمود: «...هرگاه بنده بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم،
خدای متعال می گوید: بنده‌ی من با نام من آغاز کرد. بر من
است که کارهایش را به انجام رسانم و او را در همه حال،
برکت دهم».

پیامبر اکرم (ص)

خدای مهربان من

خدای مهربان من! شروع کردن
سخت ترین کار دنیاست. تنبلی نمی کنم،
راست می گویم. من وقتی می خواهم کاری
را شروع کنم، به تمام روزهای بعد از آن
فکر می کنم. حتی گاهی به سال های بعد
از آن. بعد روزهای سخت را می بینم و با
خودم فکر می کنم چه طور از پس شان بر
بیایم. بیش تر وقت ها بلد نیستم. بیش تر
وقت ها سختی ها برنده می شوند. برای
همین وقتی خودم را می بینم که در
روزها و سال های بعد باختم ام، می ترسم.
از شروع کردن می ترسم. خدای عزیز من!
می دانم تو همیشه هستی. حتی وقتی
هیچ کس نباشد. می دانم تو آن قدر مرا
دوست داری و به من اعتماد کرده ای
که هدیه ی زندگی را به من بخشیده ای.
می دانم تو آن قدر از این که می توانم
از پس اش بر بیایم مطمئن می که شروع
کارهای سخت را به من می سپاری، اما با
همه ی این ها دلم می لرزد. خدای مهربان
من! می شود دلم را به گنجشکی که روی
سیم برق نشسته بسپارم تا به آسمان ها
ببرد؟ جایی نزدیک تر به تو.

دوربین کوفی

می خواهم همین اول کار یک نصیحت دوربینانه به تان بکنم: «حواس تان به خواب تان باشد
که سرنوشت تان را همین خواب معلوم می کند!» به جان خودم! می گوید نه؟ خب برای تان
توضیح می دهم. اعضای کوله پشتی کلا به دو دسته تقسیم می شوند.

۱- آن هایی که کله ی سحر بیدار شده و با وجود این که تا پاسی از شب مشغول نوشتن
مطالب شان بوده اند، در چشم های خود چوب کبریت فرو کرده و دست وجدان کاری شان را
می گیرند و می آیند دفتر تا یک لقمه نان حلال بخورند.

۲- آن هایی که پتو را می کشند روی وجدان کاری شان و دوتایی تا لنگ ظهر می خوابند و
بعد هم مطالب شان را با تاخیر می فرستند! (البته نه به این شدت، ما پیاز داغش را زیاد
کردیم!)

نتیجه چه می شود؟ افراد دسته ی اول تشویق می شوند، پاداش می گیرند، نان بربری اضافی
برای ناهارشان جایزه می گیرند و هی توی سر افراد دسته ی دوم (به همراه جمله ی «از
فلانی یاد بگیر!») زده می شوند. در حالی که افراد دسته ی دوم کاری نمی کنند جز این که به
مرور پشت لپ تاپ های شان محو می شوند!

حالا قضاوت با شماست. ببینید توی سر دیگران خوردن بیش تر کیف دارد یا محو شدن آن
هم پشت لپ تاپی به قاعده ی یک کف دست؟ آن هم وقتی که همه اش به میزان خواب تان
بستگی دارد. استرس نگیرید. اگر پرخواهید، اگر جرثقیل هم نمی تواند تکان تان بدهد، اگر
فیل هم از روی شکم تان رد شود بیدار نمی شوید، اگر حتی وقت خواندن کوله پشتی چرت
می زنید، نگران نباشید، ما برای شما پیشنهاد ویژه ای داریم: فرمول خواب صفحه ی ۱۲.
منتظر چه هستید؟ همین حالا گوشه ی خود را بردارید و به ما پیامک... بخشید! یک لحظه
جو تبلیغاتی مرا گرفت! گوشه ی تان را بگذارید کنار و بروید صفحه ی ۱۲ را بخوانید.

فقط قبلش در گوش تان را بیابید تا رمز نهایی را به تان بگویم: اگر فرمول های صفحه ی
۱۲ جواب نداد، باز هم نگران نباشید. کافی ست هفته ای یک بار سهم کتلت تان را به برادر
یا خواهرتان بدهید و از او بخواهید هر روز صبح کله ی سحر با یک لیوان آب در اتاق تان
حضور به برساند، تا هم برنامه ی خواب تان تنظیم شود و هم کامروا شوید!!!